



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of protest poetry in the poems of famous female poets of the Islamic Revolution

R. Karimi Larimi, R. Forsati Joybari\*, H. Mansorian

Department of Persian Language and Literature, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 17 October 2020  
 Reviewed: 16 November 2020  
 Revised: 30 November 2020  
 Accepted: 17 January 2021

KEYWORDS

Literature of the Islamic Revolution, Poetry of Protest, Injustice, Tahereh Saffarzadeh, Simin Behbahani, Sepideh Kashani, Fatemeh Raka'ei.

\*Corresponding Author

✉ [r.forsati@qaemiau.ac.ir](mailto:r.forsati@qaemiau.ac.ir)

☎ (+98 11) 42251340

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** In the period of the Islamic Revolution, committed and committed poets to defend the values of the revolution and promote revolutionary ideas have expressed the facts and criticized the problems and issues of social, political, cultural, religious, moral, economic, etc. of their time, which These poems have been called "protest poems". Protest poetry as a nascent literary movement, a kind of social poetry and originates from the foundations of sustainability poetry. Among the poets; Tahereh Saffarzadeh, Simin Behbahani, Sepideh Kashani and Fatemeh Raka'ei are among the women critical poets; This research tries to study the themes, methods of expression, tone and format of protest in the poems of famous poets after the Islamic Revolution in various fields (political, social, religious, moral, economic, cultural, etc.) and the common denominator and Examine the differences between their poems in this regard.

**METHODOLOGY:** This research has been done in a descriptive-analytical, statistical manner using library studies.

**FINDINGS:** Poets have a realistic and at the same time cross-border attitude in criticizing the problems of the country or human society; As their protest poems are a reflection of the socio-political conditions of society and time, and such poems in addition to the active presence of women poets in the political and literary arenas of society is a confirmation of the sociological theory of literature that always affects art from social and political contexts. Ultimately, the purpose of protest poetry is to preserve Islamic values, reform society, and combat injustice.

**CONCLUSION:** The highest frequency of reflection of protest themes in Tahereh Saffarzadeh's poems and the lowest frequency is related to Sepideh Kashani, which has been composed in the form of Sepid, Nimai, Ghazal, Rubaei, etc. in political and social fields, respectively. These protests are global (foreign) and sometimes domestic, where the first type of protests revolves around protests against the policies of world powers, and domestic protests are related to injustices in society.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5624](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5624)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 <b>18</b>	 <b>3</b>	 <b>1</b>

## نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

### مقاله پژوهشی

#### بررسی شعر اعتراض در سروده‌های شاعران زن مشهور انقلاب اسلامی

رضا کریمی لاریمی، رضا فرصتی جویباری\*، حسین منصوریان

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** در دوره انقلاب اسلامی شاعران متعدد و ملتزم برای دفاع از ارزشهای انقلاب و ترویج افکار انقلابی بیان واقعیتهای و انتقاد از مشکلات و بیان مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، و اقتصادی دوران خود پرداخته‌اند که این اشعار به «شعر اعتراض» موسوم گشته‌اند. شعر اعتراض بعنوان جریان ادبی نوپا، نوعی شعر اجتماعی است و از بنمایه‌های شعر پایداری سرچشمه میگیرد. از میان شاعران زن، طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی، سپیده کاشانی و فاطمه راکعی از جمله زنان شاعر منتقد بشمار میروند؛ این پژوهش سعی دارد به بررسی درونمایه‌ها، شیوه‌های بیان، لحن و قالب اعتراضی در اشعار شاعران زن مشهور بعد از انقلاب اسلامی در حیطه‌های گوناگون (سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و...) بپردازد و وجه اشتراک و افتراق سروده‌های آنها را در این زمینه بررسی نماید.

**روش مطالعه:** این جستار به شیوه توصیفی، تحلیلی، آماری و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

**یافته‌ها:** شاعران در انتقاد از معضلات کشور یا جامعه بشری از نگرشی واقع‌گرایانه و درعینحال فرامرزی برخوردارند؛ بطوریکه اشعار اعتراضی آنان بازتابی از شرایط اجتماعی - سیاسی جامعه و زمان است و چنین اشعاری علاوه بر حضور فعال زنان شاعر در عرصه‌های سیاسی ادبی جامعه تأییدی است بر نظریه جامعه‌شناسی ادبیات که هنر را همواره از بسترهای اجتماعی و سیاسی متأثر میدانند و درنهایت اینکه هدف شعر اعتراض، حفظ ارزشهای اسلامی، اصلاح نمودن جامعه و مبارزه با بی‌عدالتی است.

**نتیجه‌گیری:** بیشترین بسامد بازتاب درونمایه‌های اعتراضی در اشعار طاهره صفارزاده و کمترین نمود آن مربوط به سپیده کاشانی است که به ترتیب در قالب‌های سپید، نیمایی، غزل، رباعی و... در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سروده شده است که گاهی این اعتراضها جهانی (برون‌کشوری) و گاهی داخلی است که اعتراضهای نوع اول حول اعتراض به سیاستهای قدرتهای جهانی میچرخد و اعتراضهای درون‌کشوری مربوط به بی‌عدالتیهای موجود در جامعه است.

تاریخ دریافت: ۲۶ مهر ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۵ آبان ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۰ آذر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۸ دی ۱۳۹۹

#### کلمات کلیدی:

ادبیات انقلاب اسلامی، شعر اعتراضی، طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی.

\* نویسنده مسئول:

[r.forsati@qaemiau.ac.ir](mailto:r.forsati@qaemiau.ac.ir)

۴۲۲۵۱۳۴۰ (۹۸ ۱۱)

## مقدمه

شعر اعتراض از بنمایه‌های شعر پایداری سرچشمه میگیرد. اعتراض به معنای «خرده گرفتن، انگشت بر حرف نهادن، ایراد گرفتن و واخواست» بکار می‌رود (فرهنگ معین، ذیل واژه). ترکیب «ادب اعتراض» که تقریباً با مترادفاتی چون «ادب مقاومت»، «ادب شورش»، «ادب ستیز»، «ادب پرخاشگر» و «ادب انتقادی» در برابر «ادب سازش» در آثار ادب‌پژوهان و فرهنگها بتصریح از آن یاد شده است، «به آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌ها اطلاق میشود که به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا مقاومت شاعر و نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم منعکس کرده است» (چشم‌انداز آزادی و عدم اعتراض در شعر فارسی، پشت‌دار: ص ۱۶۵). بنابراین ادب اعتراض به آثار ادبی اطلاق میشود که کانون توجه شاعر یا نویسنده در آن به عدالت‌خواهی و رفع تبعیض در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد. شاعر و نویسنده معترض که معتقد است شعر و هنرش به جامعه پیرامونش متعهد و ملتزم است، ظلم و ستم نابرابری را برنتابیده، در برابر انحرافات فکری و فرهنگی، انحطاط اخلاقی جامعه و ازدست رفتن اصول و ارزشها فریاد برمی‌آورد. او از شعرش علیه حاکمان ستمگر و عدالت‌گریز و وضع نامطلوب موجود، سلاحی کوبنده میسازد و هدفش بیشتر عدالت اجتماعی است، چنانکه قصد دارد با بیان مشکلات و اعتراض، جامعه را بسمت اصلاح و بهبود پیش ببرد. در واقع شاعران انقلابی همچون طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی، سپیده کاشانی و فاطمه راکعی در دوران قبل از انقلاب و حتی بعد از آن وظیفه خود میدانند در برابر نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی زبان به اعتراض گشایند و انحرافات را به اقشار مختلف جامعه گوشزد نمایند. همین امر نگارندگان این پژوهش را بر آن داشته تا به بررسی و تبیین شعر اعتراض در سروده‌های شاعران زن مشهور بعد از انقلاب اسلامی بپردازند و به این پرسشها پاسخ دهند که مهمترین درونمایه‌های مشترک اعتراضی در اشعار شاعران مورد بحث کدامند و پرکاربردترین قالبها و شیوه‌های بیان اعتراضی در اشعار شاعران چیست؟

## ضرورت و سابقه پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش واکاوی درونمایه‌های اشعار شاعران موردنظر (طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی، سپیده کاشانی، و فاطمه راکعی) تبیین قالب، شیوه‌های بیان انتقادی آنان و دریافت بافت اجتماعی حاکم بر جامعه از لابلای اشعار اعتراضی آنهاست. این پژوهش قصد دارد ویژگیها و مضمونهای بکاررفته در اشعار شاعران را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهد تا راهنمایی برای پژوهشگران در زمینه ادبیات پایداری و ادب اعتراض باشد.

بررسی و جستجوی نگارندگان در پایگاهها و منابع اطلاعاتی نشان داد که درباره موضوع «شعر اعتراضی» کتابها و پژوهشهایی انجام شده است. کتابی با عنوان «دادخواست صد شعر اعتراض» (مهدی‌نژاد و سیار، ۱۳۸۸) نگاشته شده است. در این کتاب صد نمونه شعر اعتراض از شاعران معروف انقلاب اسلامی بررسی شده است. مقالاتی نیز با عناوین: «چشم‌انداز آزادی و ادب اعتراض در شعر فارسی» (پشت‌دار، ۱۳۸۹)، «کاوشی در مضامین انتقادی شعر برخی از شاعران دهه اول انقلاب اسلامی» (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۳)، «بررسی مضامین شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی» (طاهری و دیگران، ۱۳۹۳) نگاشته شده‌اند. شایان یادآوری است در بررسیهای انجام شده هیچ نوع تحلیلی با این رویکرد و بصورت خاص روی اشعار شاعران مورد بحث صورت نگرفته و این موضوع تازگی و نوآوری پژوهش حاضر را آشکار میکند. ازاینرو نگارندگان با نظر به اهمیت بررسی

شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی بعنوان یک جریان ادبی نوپا و جدید، به انجام این پژوهش مبادرت ورزیده‌اند.

## بحث و بررسی

### شعر اعتراضی

شعر اعتراضی بعنوان بخشی از ادب اعتراضی در ادبیات فارسی بعنوان یک جریان ادبی از آغاز شعر فارسی مطرح بوده است. اگرچه تفاوت زیادی میان مفهوم اعتراض و موضوعات مورد بحث آن در ادبیات کلاسیک و معاصر است و مفهوم امروزی آن را در ادبیات فارسی بیش از همه در ادبیات مشروطه و پس از آن میتوان دید، با این حال ادبیات انقلاب اسلامی هم از شعر اعتراض -در تعریف امروزی آن- خالی نیست و در شعر شاعران مطرحی در این دوره میتوان شعر اعتراض را مشاهده کرد. گستره موضوعی شعر اعتراض بسیار وسیع و با توجه به موقعیت تاریخی و اجتماعی هر دوره متغیر است. این نوع شعر از نظر قالب شعری بصورت غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، چهارپاره و... خود را نشان داده است. به هر حال هرگاه کسی نسبت به اموری اعتراض داشته باشد، آن را در گفتار، حالات و اعمال خویش نشان میدهد. از آنجاییکه شعر اعتراضی از زیرشاخه‌های ادبیات پایداری است، ابتدا به بررسی ادب پایداری میپردازیم.

### ادبیات پایداری

«ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادیهای فردی، اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی، فردی و... شکل میگیرند. بنابراین جانمایه آثار پایداری، مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریانهای ضد آزادی است» (ادبیات دفاع مقدس، سنگری: ص ۹۱).

به عبارتی ساده‌تر به سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزان باشد، ادبیات پایداری یا مقاومت میگویند. بنابراین سروده و نوشته‌هایی که مبارزه ملت‌ها را در برابر عوامل استبداد داخلی و خارجی و تجاوز بیگانگان نشان دهد، در حوزه ادب پایداری جای میگیرد که اصلیتین مسائل حوزه ادب پایداری، دعوت به مبارزه، ترسیم چهره بیدادگر، ستایش آزادی و آزادگی، نمودن افق‌های روشن پیروزی، انعکاس مظلومیت مردم، بزرگداشت ستایش مردم مبارز و شهدای راه آزادی است.

### انواع شعر اعتراض و درونمایه‌های آنها

شعرهای اعتراض معمولاً برای اهداف خاصی بیان میشوند و مضامین گسترده‌ای دارند. «گاهی شاعر شوریدن بر سکوت جهانی، گلایه از دگرگونی ارزشها، دل‌تنگی از تجمل‌گرایی، خرده بر بیدردی، مذمت اهل ریا و فرصت‌طلبان، شکوه از فریبکاری و فراموشی گذشته و سرزنش شاعرانه سکوت را بیان میکند» (بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، کافی: ص ۱۴۸). «گاهی شاعر از دگرذیسی برخی رزمندگان، غفلت جامعه و سوءاستفاده از نامها و نشانها اعتراض مینماید.» (ادبیات دفاع مقدس، سنگری: ص ۷۹). براساس موارد اعتراض‌گونه، میتوان بطور کلی اعتراضها را به دو بخش تقسیم کرد: بخشی از اعتراض جهانی (برون‌کشوری) و بخشی داخلی

(درون‌کشوری) هستند که متوجه بی‌توجهی‌های درون جامعه است.

با تقسیم‌بندی اعتراضات به دو نوع اعتراضات جهانی (برون‌مرزی یا برون‌کشوری) و اعتراضات داخلی (درون‌کشوری یا درون‌مرزی)، درون‌مایه اعتراضات جهانی بیشتر در زمینه‌های سیاسی و مسائل قدرتهای جهانی است. ولی درون‌مایه اعتراضات داخلی مربوط به اعتراضات درون کشور است که بیشتر در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی و فلسفی می‌باشد. در این قسمت به مهمترین درون‌مایه‌ها و مضامین مشترک شعر اعتراض در سروده‌های شاعران موردنظر پرداخته می‌شود.

### اعتراضات جهانی یا برون‌کشوری

اشعار تحت عنوان «اعتراض» دارای مضامین گسترده‌ای هستند. یکی از این مضامین مسائل مربوط به اوضاع منطقه‌ای و جهانی است. آنچه بیش از هر چیز در جهان خبرساز است و توجه سایر مردم جهان را به خود معطوف مینماید، مسئله جنگ‌افروزیها و استعمارگریهای کشورهای مستکبری مثل آمریکا، اسرائیل، و انگلیس است. این جنگ‌افروزیها در بیشتر مواقع با واکنشهای جهانی روبرو میشوند و هر قشری از مردم اعم از شاعر، نویسندگان و... انزجار خود را نسبت به اعمال ناجوانمردانه مستکبران نشان میدهند. بنابراین نموده‌های اعتراضات جهانی عبارتند از:

### اعتراض به استکبار جهانی

گسترش و پیچیدگی روزافزون پدیده استعمار و استکبار از یک سو و لزوم افزایش آگاهی توده‌های مردم در جهت مبارزه با آن، از جمله مسائل بسیار مهمی است که اذهان شاعران را به خود مشغول کرده که برخاسته از درک عمیق و واقع‌بینانه به واقعیت‌های جامعه جهانی است. در دوران معاصر با توجه به بیداری جوامع بشری و گسترده شدن وسایل ارتباطی، دیگر کمتر کسی است که از اوضاع و تحولات سیاسی جهان بیخبر باشد و درد و رنج ناشی از نابرابریها و بی‌عدالتیها را بر مردم جهان احساس نکند، به همین دلیل بسیاری از شاعران ایران در اعتراض به ظلم‌های مستکبران و استعمارگران جهانی شعر سروده‌اند. صفارزاده در اعتراض آشکار می‌گوید:

«من گفتم که ویرانیها/ از دروغ واژه «عمر» می‌آید/ و با وساطت باب استفعال/ به تخریب ابه چپاول/ و استعمار میرسد» (مجموعه اشعار، صفارزاده: ص ۳۱۷).

او در جایی دیگر می‌گوید: «چگونه در حمایت از صلح/ با جنگ می‌جنگند/ آنان که کارخانه کشتار را/ در سیم و زر پرورده‌اند/ چگونه با جهل جدال می‌ورزند/ آنان که در حصار جاه‌پرستی/ اعضای عقل و خرد را/ محبوس کرده‌اند/ چگونه انسان را دوستی می‌ورزند/ آنان که قلب صنوبری خود را/ به دوستی با جیب‌هایشان محدود کرده‌اند» (همان: ص ۶۸۷).

بی‌توجهی جامعه بشری به کشورهایی که به آنها ظلم شده است، از دیگر دغدغه‌های کاشانی در زمان جنگ است. چنانکه در شعر «بر جاده‌های آب» از جوامع بشری انتقاد میکند. او در این شعر اذعان میکند که در این زمان ظلم و ستم به مادران ستم‌دیده بقدری فراوان است که همواره نفرین و آه بر زبان‌شان جاری است و صدای چکمه‌های سربازان مسلح پی‌درپی به گوش میرسد: «در قرن ما/ خاموش گشته است/ آیا صدای نبض صداقت؟/ آیا نفرین مادران ستم‌دیده/ باران رحمت است؟/ موسیقی زمانه ما آیا/ فریاد چکمه‌ها است؟/ رگبار بی‌تأمل گلهای آتش است؟» (مجموعه آثار، کاشانی: ص ۱۴۱).

کاشانی در این شعر نیز نفرین مداوم مادران ستم‌دیده را در مقابل باران، فریاد چکمه‌های سربازان را در برابر موسیقی، و رگبار آتش مسلسلها را در کنار گل‌قرار داده و در یک مجموعه قرار گرفتن زشتیهای مربوط به بشر و زیباییهای لطیف طبیعت را همچون ابلاغ یک اتهام، وحشت‌آور دانسته‌است. درواقع وی با کاربست عباراتی همچون باران، موسیقی و گل بطور ضمنی برای نفرین، جنگ و مردمکشی جایگزینهایی مناسب معرفی میکند. فاطمه راکعی بدلیل مادر بودن بیشتر ترحم و دلسوزیش را در شعر زیر، برای کودکان مظلومی سر داده که توسط ناوگان جنگی متجاوز آمریکایی در ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۷ مورد هدف قرار گرفتند و شهید شدند. وی در غزل زیر در سوگ این عزیزان به شیوهٔ مرثیه از حقوق بشر آمریکایی انتقاد میکند:

زمین دیده در خواب یک آسمان گل	چگونه بر این خواب زیبا نگریم
چگونه به تعبیر این خواب رنگین	صمیمانه در مرگ گلها نگریم
شده آسمان غرق گل‌های پرپر	چرا این چنین ناشکیبا نگریم
چرا نبض سنگین دل‌تنگیم را	به دامان ننگین دنیا نگریم

(سفر سوختن، راکعی: ص ۸۹)

#### اعتراض به سکوت مجامع جهانی دربارهٔ حقوق بشر

شعر اعتراض، اعتراض شاعر دربارهٔ جهان، سیاست و مردم است و گاهی اعتراض و انتقاد از بی‌عدالتیها و نابرابریهاست که در مجامع جهانی و حقوق بشر سازمان ملل به دیگر کشورهای جهان سوم و فقیر اعمال میشود. وقتی انقلاب و بعد از آن جنگ اتفاق افتاد و همهٔ قدرتهای جهان به مقابله با آن پرداختند، مجامعی همچون حقوق بشر نیز در برابر ستمهایی که بر ملت و امت ایران رفت، سکوت اختیار کردند. این سکوت جهانی فریاد اعتراض شاعران را برآورد. صفارزاده میگوید: «دویست دلار زندانی / در زیر بمب به مرگ رسیدند / و بمب آنگونه ماهرانه / نقش شکنجه‌ها را / از جسمهای شهیدان زدوده است / که «سازمان حقوق بشر» و «دفاع بین‌الملل» در غیبت گواه و مدرک / از داوری / زبانشان بسته است» (مجموعه اشعار، صفارزاده: ص ۴۲۰).

کاشانی نیز در شعر خود از عدل سخن میگوید و از حامیان بشر که ادعا میکنند، او نیز اعتراض خویش را اینگونه بیان میکند:

نهال عشق گل‌آذین بود، اگر ز عدل ثمر میداشت	جهان ز عدل پرآوا بود، اگر حقوق بشر میداشت!
ز حامیان بشر بانگی، در این دیار نمی‌آید	شب است و دشنهٔ دژخیمان، که در شمار نمی‌آید

(مجموعه آثار، کاشانی: ص ۱۵۰)

بنابراین چنین اشعاری در قالب شکایت و اعتراض به سکوت جهانی است. به عبارتی دیگر شاعر با نگاهی انتقادآمیز به بی‌تفاوتی جهانیان، پیام خویش را مخابره میکند. این اعتراض به ظلمهای جهانی به تعداد مردم مظلوم جهان است. بنابراین در اینجا تنها به گوشه‌ای از هزاران اشاره شد. در ادامه به بررسی درونمایه‌های اشعار معترض در سطح داخلی (درون‌کشوری) پرداخته میشود.

#### اعتراضهای داخلی (درون‌کشوری)

این نوع اعتراضها پهنهٔ گسترده‌ای دارند و به اعمال، رفتار، طرز تفکر و تصمیم‌گیری مردم و مسئولان مربوط میشوند که شامل درونمایه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اخلاقی میباشند. در ادامه به بررسی

جداگانه هریک از آنها پرداخته میشود.

### اعتراض به فقدان آزادی

روحیه آزادی و آزادی خواهی، یکی از مفاهیمی است که هر انسانی برای آن احترام والایی قائل است و تا اوج فداکاری و از حریم آن پاسداری میکند و هرگاه قدرتمندی در پی آن باشد که این موهبت الهی را از او بازستاند، در برابر او ایستادگی نموده و به قیمت جان آن را پاس خواهد داشت. در ادب معاصر، بحث آزادی و آزادیخواهی یکی از گسترده‌ترین موضوعات است. آزادی شاید بزرگترین دغدغه شاعران معاصر باشد؛ برای عملی شدن آن فراوان کوشیدند و از نبود آن لب به اعتراضهای تند گشوده‌اند و بهای گزافی برای آن نیز پرداخته‌اند؛ زیرا همه ناکامیها، بدبختیها و ویرانیها را ناشی از نبود آزادی دانسته‌اند. صفارزاده نیز هم‌آوا با شاعران معاصر خود با صراحت و آشکارا، فریاد آزادی سر میدهد و دخالت استعمارگران را در امور داخلی کشورهای جهان سوم محکوم میکند: «شما که طالب آزادی هستید/ همواره گامهای اجانب/ اعصابتان را لگدکوب کرده است/ زندان و روزه/ جنگ و گریز/ پیمان اعتراض/ برضد اتحاد و تعرض/ این رشته طلوع و غروب/ برنامه شبانه‌روز شماست» (مجموعه اشعار، صفارزاده: ص ۴۱۷).

در سروده‌های سیمین «آزادی» هم در معنای حریت و آزادی و هم رهایی از زندان ستم‌شاهی بکار رفته است. سیمین نیز بتبع شاعران ستایشگر آزادی در برابر رژیم طاغوت که آزادی را از مردم سلب کرده بود، سخت انتقاد و اعتراض کرد و اشعار زیادی در ستایش آزادی سرود و یک دفتر را به نام «یک دریچه آزادی» نامگذاری کرد:

یک دریچه آزادی باز کن به زندانم  
یک سبو پر از شادی، خرج کن که مهمانم

(مجموعه اشعار، بهبهانی: ص ۸۳۵)

وی در اعتراض به عدم آزادی بیان میگوید:

«الماس قطره قطره شمردم در دکه کتابفروشی/ پرداختن بهای کتابی، مشحون ز آیه‌های خموشی/ با واژه‌های هیچ مگویش، با بغض بسته راه گلویش/ خواهد که هم‌رهم بگیرد، از دکه کتابفروشی» (همان: ص ۱۰۳).  
سپیده کاشانی در شعر «بهار در...» گذر فصلها را نظاره میکند. او میبیند که فصل بهار با همه زیباییهای آمده ولی شاعر از آمدنش خوشحال نیست؛ او دوست دارد بهار زمین، با بهار آزادی همراه باشد: «اینجا بهار فصل مطرح نیست ما را/ آن میسزد ما را، که ماند نسلها را/ ما را بهاری باید از این دست، آری/ ما راست در آزادگی، رنگین بهاری» (مجموعه اشعار، کاشانی: ص ۱۴۸).

این غزل روزها و شرایطی بحرانی را تصویر میکند. شاعر از درهای بسته زندان خسته است و میخواهد رو به «پروازهای طوفانی» پرواز کند. طوفان خود نمود خروش و اعتراض یک جامعه است و «پرواز طوفانی» پرواز بسوی آزادی است در یک جریان مبارزه طلبانه پر از شجاعت: «لحظه‌ها لحظه‌های طولانی/ روزها روزهای بحرانی/ پشت دیوار سینه‌ها در بند/ خیل فریادهای زندانی/ بازکن باز بالهایت را/ رو به پروازهای طوفانی. (آواز گل‌سنگ، راکعی: ص ۵۲).

### اعتراض به فساد اجتماعی

مبارزه با مفاسد و آسیبهای اجتماعی یکی دیگر از موضوعاتی است که طاهره صفارزاده به آن میپردازد. در این مورد شاعر فریاد اعتراض سر میدهد؛ اعتراض به بی‌توجهی اربابان مملکت به مشکلات مردم و رواج فساد و

بی‌بندوباری در عرصه‌های مختلف حکومتی. یکی از مفاسد اجتماعی موضوع پارتنری بازی است که صفارزاده بسیار روی آن تأکید کرده است: «دوست من رئیس شده است/ دوست دوست من رئیس شده‌است/ دوست دوست دوست من رئیس شده است» (مجموعه اشعار، صفارزاده: ص ۱۶۴).

صفارزاده بشدت نظام پارتنری سالاری را زیر تیغ اعتراض میبرد و انتقاد به خصلت زشتی که شاید اساس و پایه بسیاری از مفاسدهای اجتماعی و فرهنگی و... را فراهم می‌آورد. و شاید علت آن فاصله گرفتن ما از اصول اولیه اخلاقی، انسانی و ارزشهای اسلامی دینی باشد که باعث نارضایتی عمومی شده و در درازمدت کل نظام را تهدید میکند.

از دیگر مفاسد اجتماعی زمانه شاعر، غرق شدن زن در مظاهر تمدن غرب است. شعر «کودک قرن» او آینه‌ای است از وضعیت فاسد اجتماعی آن روز. این شعر فریادی است علیه تهاجم بی‌امان بر ضد ارزشها که حتی عاطفه مادری را تحت الشعاع قرار میدهد و تنهایی و نایمینی کودک را در برابر مادری که از طبیعت خود خارج شده، نشان میدهد. روح زمانه و در عین حال فساد دوران گسست سلول خانواده و رهاشدگی و نگون‌بختی کودک، استعاره‌ای از بی‌سرپرستی زمانی است که آغوش گرم نگهبان را از دست داده است. اعتراض صفارزاده به غرب‌زدگی و دور شدن از اصالت و فرهنگ خودی به بارزترین شکل، در شعر «کودک قرن» از اولین آثار شاعر نمود یافته است. او در آن با لحنی صریح و بی‌پروا در اعتراضی آشکار به هجوم فرهنگ غرب و ازمیان رفتن ارزشهای انسانی بویژه محبت مادری، به غرق شدن زن در مظاهر فساد تمدن غرب پرداخته است. «شام دیگر چون که خواب آید درون دیده‌ او/ پرسید از خود باز امشب مادرم کو/ بانگ آرامی درون گوش او آهسته لغزد/ مادرت اینجاست/ در سرای رنگی شب زنده‌داران/ در هوای گرم و عطرا میز یک زندان/ قامت آن مادر زیبا/ به گرد قامت بیگانه‌ای/ پیچان و دستش گردن آویز است» (همان: صص ۳۸ - ۳۹).

از دیگر مفاسد اجتماعی امروز که زیاد در ادارات و سازمانها و نهادهای دولتی باب شده، رشوه و رانت است. فرد ثروتمند با دادن رشوه‌های کلان به مرئوس قوی از وی اعتبارات و پولهای کلان میگیرد و نه تنها به بیت‌المال برنمیگرداند، بلکه میگوید ثروت و پول من در موقع تحریم کشور، کشور و مردم را نجات داده است: «طرد مدار دانایی/ بازار رشوه و رانت را/ سامان بخشیده/ بر ناتوان شدن آن خوبان» (همان: ص ۸۴۵). یا «از این گروه تخریب/ در دستگاه قضایی/ منتظر حکم نیست/ در فن رشوه و رانت وارد نمیشود» (همان: ص ۶۶۴). یا «این هموطن آب گل آلود میخورد/ میوه میخورد/ رشوه میخورد/ رانت میخورد/ ربا میخورد/ نان تملق و ترفند میخورد/ آری تفاوتی است شگرف/ بین خوردگان و خوردنها» (همان: صص ۶۱۴ - ۶۱۵).

### اعتراض به فقر و تضاد طبقاتی

یکی از معضلاتی که در عصر نابرابریهای اقتصادی قبل از انقلاب گریبانگیر جامعه بود، فقر و تضاد طبقاتی بود. از جمله جلوه‌های این نوع بروز بحران در جامعه، فقر و تبعیض است. نابسامانی اوضاع اقتصادی ایران در آن روزگار بویژه فاصله طبقاتی و شرایط اسفبار کشاورزانی که برائر اصلاحات ارضی به مهاجرت ناخواسته و حاشیه‌نشینی تن داده بودند، باعث توجه بسیاری از منتقدان و متفکران به مقوله فقر، بمثابة یکی از شاخصه‌های بارز جامعه شده بود. صفارزاده نیز در شعر «پلکان» به شکلی چشمگیر، به مسئله فقر میپردازد و یکی از علل آن را در تبعیض و فاصله طبقاتی میان کاخ‌نشین و کوخ‌نشین مییابد، و در ادامه به کلام مولا علی اشاره میکند که میفرماید: «هیچ کاخی برافراشته نمیشود مگر در مقابل آن کوخی وجود دارد» (انقلاب در شعر طاهره صفارزاده،



زارعی: ص ۱۸۳).

«در روستا/ در زیر چشم به پنج سالگی/ خط و چین کمین کرده است/ پیری از کودکی سراغ شما می‌آید/ در روستا هر کاخ گونه قداره‌ای است/ در پیش روی کپرها و زاغه‌ها/ مسافتی است/ میان نشستنها/ کپرنشین/ کلبه نشین/ چادرنشین/ ویلا نشین» (مجموعه اشعار، صفارزاده: ص ۳۵۵).

سیمین در شعر «صبر کن ماه دگر» اشاره به احساس مسئولیت زن در برابر خواسته‌های فرزند دارد. مادری که بعلت بدهیها و مشکلات روزمره زندگی، وعده‌اش به فرزند را به ماه‌های دیگر موکول میکند: «جامه‌هایم هم پاره شد آخر کجاست/ جامه‌های نغز و دلخواه دگر/ شرمگین آهسته گفتم: زیر لب/ صبر کن فرزند من، ماه دگر (مجموعه اشعار، بهبهانی: ص ۲۷۴). بنابراین در این اشعار فقر و سرخوردگی عاطفی نمود دارد که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است. مضامین شعر او برگرفته از زندگی مردم کوچه و بازار و ستمدیدگان است. وی در شعر «معلم و شاگرد» هم به نوعی با فقر اجتماعی روبرو میشود. قصه دختر فقیری که دفتر و کتاب ندارد و معلم نکته‌سنج متوجه میشود: «گفتی از چشمم آهسته میدزدید/ چشم غمگین پر آب خود را/ پایی پا نهاد و نهان کرد/ پارگیهای جوراب خود را» (همان: ص ۶۴).

کاشانی در بیشتر اشعار خود به مبارزه با نژادپرستی و فاصله طبقاتی میپردازد: «طفل قالیباف گیوه به پا/ به شگفتی به ارسیهای چرمی من مینگرد/ رنگ نان حتی در دیده ما یکسان نیست/ و زمستان ما/ هر دو، دو خالق دارد» (پروانه‌های شب، کاشانی: ص ۱۴۳).

### اعتراض به بی‌هویتی روشنفکران

یکی دیگر از مؤلفه‌های شعر اجتماعی - اعتراضی در شعر صفارزاده، مبارزه با بی‌هویتی، سکوت مردم در برابر ظلم است. او در میان طبقات مختلف جامعه بر روی روشنفکران تأکید میکند: «گاهی دلم برای یک روشنفکر تنگ میشود/ تعریف لغت‌نامه را درباره‌اش خوانده‌ای/ موجود افسانه‌ای غریبی است» (مجموعه اشعار، صفارزاده: ص ۱۳۴).

روشنفکر بخودی خود انسانی اندیشمند و متفکر است، چنانکه صفارزاده از او بعنوان موجود افسانه‌ای غریب نام میبرد؛ اما در اندیشه شاعر لفظ روشنفکر با بدبینی و نفرت همراه شده، چون او عقیده دارد روشنفکر از آن راهی که باید عبور کند، خارج شده است. «روشنفکر از طبقه تحصیل کردگانی در جامعه است که با دغدغه‌های انسانی، اجتماعی، ارزشی، فرهنگی و سیاسی اقدام به موضعگیری در مباحث و مسائل حساس جامعه خویش و جامعه جهانی میکند. روشنفکر به مسائل جامعه خود و جامعه جهانی و نیز به آرمانها و بایسته‌ها احساس مسئولیت و تعهد میکند» (کاوشی در مضامین انتقادی شعر برخی از شاعران معروف دهه اول انقلاب اسلامی رحیمی: صص ۱۲۴-۱۲۳). در اینجا صفارزاده با قشر روشنفکر به مبارزه برمیخیزد و به سلطه فکری و فرهنگی این قشر در جامعه معترض میشود و بدین صورت بعد روشنفکرستیزی در شعر دینی و انقلابی را رواج میدهد.

البته منظور او روشنفکران غربزده‌ای هستند که هویت ایرانی خود را در مقابل فرهنگ غربی ازدست دادند. وی از آنجاکه چند سالی در غرب زندگی کرده و فرهنگ غربی را بطور کامل تجربه و مطالعه کرده؛ دریافته است که وضعیت انسان در عصر ماشین و فناوری چه شکلی دارد و بشکل غم‌انگیزی انسان، ایمان خود را ازدست داده و در نتیجه زندگی پوچ و بی‌معنی شده است. از این روی به مبارزه با روشنفکران ضدسنت و غربزده میپردازد و در مقابل اندیشه و تفکر آنها، ندای بازگشت به فرهنگ خودی را سر میدهد. او در شعر «سفر زمزم» این دیدگاه

خود را به گونه‌ی زیبا بیان میکند:

«شاید به منتهایی از دره برسیم/ شاید جلگه‌ای در پیش داشته باشیم/ اختراع قطب‌نما مرا سرگرم نکرد/ از پی اینان برویم که به پاپوس امام میروند» (مجموعه اشعار، صفارزاده: ص ۱۴۲).

بنابراین روشنفکری که صفارزاده بعنوان آگاه و فرهیخته میپذیرد، کسی نیست که با سنتها و مخصوصاً دین و مذهب به دشمنی پردازد، بلکه از دید او «روشنفکر، آدم بافرهنگ و پرهیزگاری است که از خود به دیگران میندیشد و اصولی دارد که با آنها زندگی میکند و برای حفظ این اصول وسوسه‌های مادی را کوچک می‌شمارد.

### اعتراض به انسان امروزی و جوامع بشری

جهان امروز گرچه به پیشرفتهای اساسی دست یافته و از مدار ماه هم گذشته است، اما از فرار مهر بسی دور و از حل بحرانهای روحی خویش عاجز است. «ترس و اضطراب و ناامنی وجودی، احساس پوچی، خلأ و اضطرابهای عمیق روحی چیزی نیست که بتوان آنها را با عقل و خرد بشری حل کرد یا پاسخی برای آنها یافت. بنابراین تکیه بیش از حد بر عقل و خرد انسانی در دنیای جدید سبب شده که انسانها از نیازهای روحی و مصنوعی خود غافل بمانند» (بررسی اشعار طاهره صفارزاده از دیدگاه فکری، اکبری: ص ۱۴). بنابراین از جمله مسائلی که بشر کنونی با آن درگیر است، احساس درماندگی و ناامیدی است. این درماندگی و حیرانی بشر در وادی تنهایی در اشعار کاشانی همچون «شب‌به‌خیر آه... انسان تنها» بخوبی ترسیم شده است. وی در این شعر انسان تنها مانده عصر خود را، که گرفتار یاد دیروز، رنج امروز و بیم فرداست، خطاب قرار داده و در انتقاد از او اینچنین می‌سراید: «باز انسان تنهای امروز/ خیره بر راه فردای مجهول/ یاد دیروز را میستاید/ اوست که مجموعی از یاد دیروز/ رنج امروز/ بیم فردا/ روی این خط تکرار و تکرار/ آدمکهای مبهوت و بیمار/ پای دیوار دلگیر غربت/ با غم خویش معتاد/ و چه تنهاست انسان امروز/ آه، انسان بی‌پشتوانه/ بر تو افسوس» (مجموعه اشعار، کاشانی: صص ۴۱۳ - ۴۱۵).

راکعی در غزل «دنیای دل‌سنگ» به سکوت مرگبار محافل جهانی در رابطه با فاجعه بمباران حلبچه می‌تازد و بشر را به پاک کردن ننگ و پلیدیها از دامن عالم و ساختن دنیای خوب تشویق میکند: «برخیز؟ دنیای دل سنگ/ دنیای دل سنگ صدرنگ/ دیری است کشتار خوبی است/ بیدار رنگ است و نیرنگ/ خواب است خواب است دنیا/ هیهات! انسان دلتنگ» (سفر سوختن، راکعی: صص ۸۳ - ۸۴).

چنین اشعاری بیانگر این است که برخی جوامع بشری از دیگر جوامع مظلوم اطراف خویش غافلند یا خود را به غفلت زده‌اند و ظلم و ستم جباران زمان را نادیده انگاشته‌اند. صفارزاده در جستجوی هویت، فرهنگ غربی را تجربه و مطالعه کرده، تمام وعده‌های آنها را ارزیابی میکند. او وضعیت غریبانۀ انسان را در عصر ماشین با پردازشگرهای رایانه‌ای مورد تحقیق قرار میدهد. وی درمی‌یابد که چه غم‌انگیز است انسان عشق و ایمان واقعی خود را از دست بدهد. همچنین درمی‌یابد که تا چه اندازه روشنفکران ضدسنت و غریزده نسبت به کشورهائیشان ناسپاس و بی‌صداقت هستند. تنها چیزی که در شکلگیری دیدگاه وی سهیم است، همان بازگشت به فرهنگ خودی است که تنها حفاظ در مقابل تهاجم فرهنگ بیگانه و در نتیجه تسلط بیگانگان است: «تنها بودم/ مثل آب در عمق چاه/ تنها بودم و دسته دسته مرغهای پریشان می‌آوردند/ مینشستند/ تنهایی مرا مهار میکردند» (مجموعه اشعار، صفارزاده: ص ۳۱۹).

### بررسی و مقایسه اشعار اعتراضی شاعران مورد بحث

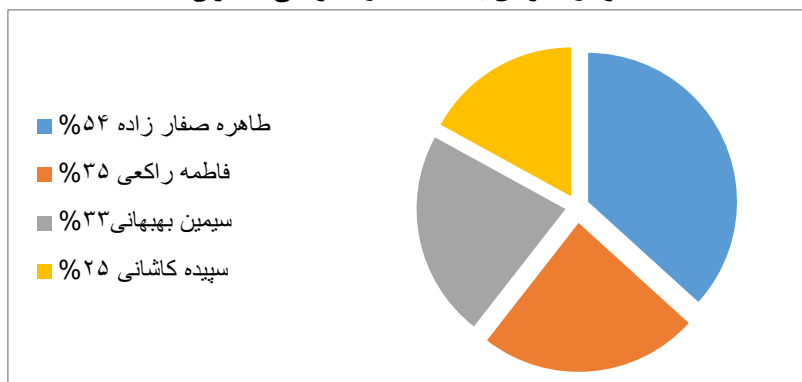
در جدول زیر بسامد بازتاب درونمایه‌های شعر اعتراض در سروده‌های شاعران مورد نظر به تفکیک نشان داده شده

است که انعکاس این درونمایه‌ها به ترتیب در اشعار طاهره صفارزاده (مجموعه کامل اشعار) ۵۴٪ (از ۲۴۲ قطعه شعر وی، ۱۳۰ قطعه شعر اعتراض)، فاطمه راکعی (سفر سوختن، آواز گل‌سنگ، گزیده ادبیات معاصر، مادرانه‌ها، ناخنکی به زندگی، رؤیای رنگین، سنجاقکها، دیروز با ما کسی بود) ۳۵٪ (از ۳۵۹ قطعه شعر او، ۱۲۵ قطعه شعر اعتراض)، سیمین بهبهانی (مجموعه کامل اشعار) ۳۳٪ (از ۵۳۷ قطعه شعر او، ۱۷۶ قطعه شعر اعتراض) و سپیده کاشانی (مجموعه کامل اشعار سپیده کاشانی و پروانه‌های شب) ۲۵٪ (از ۳۰۳ قطعه شعر او، ۷۷ قطعه شعر اعتراض) می‌باشد که بنابراین بیشترین بسامد انعکاس درونمایه‌های شعر اعتراض در سروده‌های طاهره صفارزاده و کمترین نمود آن در اشعار سپیده کاشانی است.

جدول ۱. بسامد اشعار اعتراضی شاعران

نام شاعر	تعداد اشعار	تعداد اشعار اعتراض	فراوانی به درصد
طاهره صفارزاده	۲۴۲ قطعه	۱۳۰ قطعه	۵۴٪
سیمین بهبهانی	۵۳۳ قطعه	۱۷۶ قطعه	۳۳٪
سپیده کاشانی	۳۰۳ قطعه	۷۷ قطعه	۲۵٪
فاطمه راکعی	۳۵۹ قطعه	۱۲۵ قطعه	۳۵٪

نمودار دایره‌ای بسامد اشعار اعتراضی شاعران



در جدول زیر بسامد درونمایه‌های شعر اعتراض به ترتیب در قالب غزل (۲۱۳ قطعه)، سپید (۱۳۳ قطعه)، نیمایی (۶۴ قطعه)، چهارپاره (۴۰ قطعه)، قطعه (۳۳ قطعه)، مثنوی (۲۸ قطعه) و دوبیتی (۸ قطعه) سروده شده است. بنابراین قالب غزل بیشترین کاربرد در بیان درونمایه‌های اعتراضی را در سروده‌های شاعران مورد بحث داشته است و کمترین آن مربوط به قالب دوبیتی است.

## جدول ۲. بسامد قالبهای اعتراضی شاعران

تعداد شعر اعتراض	قالبهای شعری
۲۱۳ قطعه	غزل
۱۳۳ قطعه	سپید
۶۴ قطعه	نیمایی
۴۰ قطعه	چهارپاره
۳۳ قطعه	قطعه
۲۸ قطعه	مثنوی
۸ قطعه	دوبیتی

چنانکه پیش از این بیان شد، یکی از اهداف این پژوهش تبیین شیوه‌های بیان اعتراضی این شاعران مورد بحث است که این مسئله در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. با توجه به شواهد مثال ذکرشده، گفتنی است که طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی و سپیده کاشانی قبل از انقلاب اشعار اعتراضی را بصورت رمزگونه و نمادین می‌سرودند، حال آنکه پس از انقلاب بصراحت و آشکارا به انتقاد از مسائل و معضلات با لحنی تند پرداخته‌اند. سرایش اشعار نمادین این شعرا ممکن است ناشی از خفقان موجود در جامعه عصر پهلوی باشد که سبب شد بیشتر شاعران این زمان به سرودن اینگونه اشعار روی آورند. از سوی دیگر اشعار اعتراضی فاطمه راکعی اگرچه در اغلب موارد بصراحت و آشکارا بیان شده و در برخی موارد بطور ضمنی و غیرمستقیم اما لحن کلامش آرام و ملایم است. دلیل تفاوت لحن این شاعران ممکن است در روحیاتشان باشد. کاشانی شاعری است که در مجموعه اشعارش، اشعاری مهیج و ترغیب‌کننده‌ای برای رزمندگان جنگ سروده است؛ بطوریکه حتی شعر او را به شعار نزدیک میکنند. حال آنکه راکعی کمتر به سرودن چنین اشعاری روی آورده و اگر هم اعتراضی به برخی از افراد دارد، در بیشتر موارد بصراحت و با لحنی ملایم به بیانش پرداخته است. شاعران مورد بحث شیوه‌های بیانی همچون اعتراض آشکار، رمزگونه و نمادین، طنز تلخ، هجو، اعتراض همراه با مدح و ستایش، مرثیه، نوستالژی، مرور خاطرات، شکایت، حسرت و یادکرد گذشته را برای بیان درونمایه‌های اعتراضی خود برگزیدند که شیوه‌های اعتراض آشکار و رمزگونه و نمادین بیشترین سهم را در بیان شعری، شعر اعتراض انقلاب دارد.

## جدول ۳. شیوه‌های بیان اعتراض شاعران

فاطمه راکعی	سپیده کاشانی	سیمین بهبهانی	طاهره صفارزاده
اعتراض آشکار، رمزگونه و نمادین هجو، مرثیه، حسرت، کنایه‌ای و ضمنی	اعتراض آشکار و رمزگونه و نمادین با لحنی تند و گزنده	اعتراض آشکار و رمزگونه و نمادین با لحنی تند	اعتراض آشکار، همراه با مدح، مرثیه، نوستالژی و مرور خاطرات، طنز تلخ، و رمزگونه و نمادین گاهی لحنی تند و گاهی ملایم

### نتیجه‌گیری

در دوره انقلاب اسلامی، شاعران متعهد و ملتزم، برای دفاع از ارزشهای انقلاب و ترویج افکار انقلابی به بیان واقعیتها و انتقاد از مشکلات و بیان مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی و ... دوران خود پرداخته‌اند. شعر اعتراض یکی از زیرمجموعه‌های ادب پایداری، نوعی شعر اجتماعی است که در آن نادرستیهای رفتاری مردم و مسئولان را گوشزد میکند و هدف از این نوع شعر در دوره انقلاب، حفظ ارزشهای اسلامی، اصلاح نمودن جامعه و مبارزه با انواع بی‌عدالتیهاست. بطور کلی میتوان درونمایه‌های شعر اعتراض را در دوره انقلاب اسلامی به دو نوع اعتراضهای جهانی و داخلی تقسیم کرد. مهمترین درونمایه‌های مشترک شعر اعتراض که بیشترین انعکاس را در سروده‌های شاعران مشهور زن بعد از انقلاب اسلامی داشته است، در مورد اعتراضهای نوع اول (جهانی) بیشتر حول اعتراض به سیاستهای قدرتهای جهانی می‌چرخد که شامل اعتراض به استکبار جهانی و سکوت مجامع جهانی درباره حقوق بشر است. اما اعتراضهای داخلی که بیشتر در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی است، عبارتند از: اعتراض به فقدان آزادی، اعتراض به فساد اجتماعی، اعتراض به فقر و تضاد طبقاتی، اعتراض به بیهوشی روشنفکران و اعتراض به انسان و جوامع بشری که این درونمایه‌ها بیشترین بازتاب را در سروده‌های صفارزاده داشته است. بنابراین درونمایه‌های شعر اعتراض به ترتیب در قالبهای غزل، سپید، نیمایی، چهارپاره، قطعه، مثنوی و دوبیتی سروده شده است که قالب غزل بیشترین کاربرد را در بیان درونمایه‌های اعتراضی دارد.

شاعران مورد بحث شیوه‌های بیانی همچون اعتراض آشکار، طنز تلخ، هجو، اعتراض همراه با مدح و ستایش، مرثیه، نوستالژی، مرور خاطرات، شکایت، حسرت و یادکرد گذشته را بصورت کنایه‌ای، ضمنی، رمزگونه و نمادین برای بیان درونمایه‌های اعتراضی خود برگزیدند که شیوه اعتراض آشکار، رمزگونه و نمادین بیشترین سهم را در شعر اعتراض انقلاب دارد؛ بطوریکه اشعار انتقادی کاشانی و بهبهانی صریحتر و با لحنی تندتر از اشعار اعتراضی صفارزاده و راکعی بیان شده است، این امر ممکن است ناشی از شرایط جامعه و تفاوت روحیات آنان باشد. اما وجه مشترک رویکرد اعتراض این شاعران در بازگشت به آرمانها و اصول اولیه انقلاب و تثبیت و ترویج آنهاست. در واقع شاعران از این طریق به حمایت از انقلاب و آرمانهایشان می‌پردازند. در واقع این شاعران از شعر بمنزله سلاحی برای انعکاس برخی مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی بهره برده‌اند؛ بطوریکه شعرشان بیشتر مبتنی بر عواطف اجتماعی است تا عواطف شخصی. با توجه به نمونه‌های استخراج‌شده اشعار اعتراضی این شاعران، علیرغم وجوه شباهت اشعار اعتراضی، تفاوتهایی فراخور شرایط محیطی ایجاد شده است. برای مثال کاشانی، صفارزاده و بهبهانی از عصر پهلوی و شرایط آن زمان انتقاد میکنند، ولی راکعی شرایط جامعه پس از جنگ را بتصویر میکشد که در آن برخی افراد با نفاق و ریاکاری، سودجویانه از دین بهره میبرند. بنابراین اینان در مقام شاعری متعهد در برابر معضلات جامعه حساسیت نشان داده‌اند و برای بیداری مردم و آگاه کردنشان درباره جامعه و مشکلات موجود در آن میکوشند. این مسئله هم نشانگر حضور مؤثر و فعال زنان شاعر در عرصه سیاسی و ادبی است و هم تأییدی است بر نظریه جامعه‌شناسی ادبیات که هنر را همواره از بسترهای اجتماعی و سیاسی متأثر میدانند.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر استخراج شده است. آقای دکتر رضا فرصتی جویباری راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای رضا کریمی لاریمی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر حسین منصوریان نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Akbari Manouchehr and Khalili, Ahmad. (2010). A Study of Tahereh Saffarzadeh's Poems from an Intellectual Perspective. *Quarterly Journal of Stylistics of Order and Prose (Spring of Literature)*. 3 (4), pp. 45-67.
- Behbahani, Simin. (2006). Complete collection of poems by Simin, Tehran: Negah.
- Kafi, Gholamreze. (2010). Review of the literature of the Islamic Revolution. Tehran: Foundation for the Preservation of the Relics and Values of the Sacred Defense, p.148.
- Kashani, Sepideh. (1973). Night Butterflies. Tehran: Padideh.
- Kashani, Sepideh. (2010). Collection of works. Tehran: Iranian Pen Association.
- Moein, Mohammad. (2000). Farhang-e Farsi, Volume One, Tehran: AmirKabir,

p.30.

Poshtdar, Ali Mohammad. (2010). Perspectives of Freedom and Non-Objection in Persian Poetry, *Journal of Literary Sciences*, 3 (5), pp. 172-157.

Rahimi, Seyed Mehdi and others. (2014). Exploring the critical themes of the poetry of some famous poets of the first decade of the Islamic Revolution. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, 11 (36), pp. 131-149.

Rakaei, Fatemeh. (2006) Golsang Song, Tehran: Etelaa't.

Rakaei, Fatemeh. (2006). Fingernail to life. Tehran: Etelaa't.

Saffarzadeh, Tahere. (2012). Complete collection of poems, Tehran: Pars Ketab.

Sangari, Mohammad Reza. (2010). Holy Defense Literature, Tehran: Foundation for the Preservation of Relics and Values of Sacred Defense, p.79.

Zare'i, Esmat. (2014). Revolution in Tahereh Saffarzadeh's Poetry, *Special Issue of the Academy (Literature of the Islamic Revolution)*, 1 (1), pp. 171-194.

## منابع

آواز گل‌سنگ، راکعی، فاطمه. (۱۳۸۵). تهران: اطلاعات.

ادبیات دفاع مقدس، سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.

انقلاب در شعر طاهره صفارزاده، زارعی، عصمت. (۱۳۹۳). ویژه‌نامه فرهنگستان (ادبیات انقلاب اسلامی)، (۱) ۱، صص ۱۷۱-۱۹۴.

بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، کافی، غلامرضا (۱۳۸۹). تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.

بررسی اشعار طاهره صفارزاده از دیدگاه فکری، اکبری، منوچهر و خلیلی، احمد. (۱۳۸۹). فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر (بهار ادب). (۴) ۳، صص ۴۵-۶۷.

پروانه‌های شب، کاشانی، سپیده. (۱۳۵۲). تهران: پدیده.

چشم‌انداز آزادگی و عدم اعتراض در شعر فارسی، پشت‌دار، علی‌محمد. (۱۳۸۹). دوفصلنامه علوم ادبی، (۵) ۳، صص ۱۷۲-۱۵۷.

راکعی، فاطمه. (۱۳۶۹). سفر سوختن. تهران: نشر فرهنگی رجاء.

فرهنگ فارسی، معین، محمد. (۱۳۷۹). جلد اول. تهران: امیرکبیر.

کاوشی در مضامین انتقادی شعر برخی از شاعران معروف دهه اول انقلاب اسلامی، رحیمی، سیدمهدی و دیگران. (۱۳۹۳). فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. (۳۶) ۱۱، صص ۱۳۱-۱۴۹.

مجموعه آثار، کاشانی، سپیده (۱۳۸۹). تهران: انجمن قلم ایران.

مجموعه کامل اشعار، بهبهانی، سیمین. (۱۳۸۵). تهران: نگاه.

مجموعه کامل اشعار، صفارزاده، طاهر. (۱۳۹۱). تهران: پارس کتاب.

ناخنکی به زندگی، راکعی، فاطمه. (۱۳۸۵). تهران: اطلاعات.

#### معرفی نویسندگان

رضا کریمی لاریمی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

(Email: [r.karimi@qaemiau.ac.ir](mailto:r.karimi@qaemiau.ac.ir))

رضا فرصتی جویباری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

( نویسنده مسئول: [r.forsati@qaemiau.ac.ir](mailto:r.forsati@qaemiau.ac.ir) )

حسین منصوریان: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

(Email: [h.mansoryan@qaemiau.ac.ir](mailto:h.mansoryan@qaemiau.ac.ir))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Reza Karimi Larimi:** PhD Student in Persian Language and Literature, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

(Email: [r.karimi@qaemiau.ac.ir](mailto:r.karimi@qaemiau.ac.ir))

**Reza Forsati Joybari:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

( نویسنده مسئول: [r.forsati@qaemiau.ac.ir](mailto:r.forsati@qaemiau.ac.ir) )

**Hossein Mansourian:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

(Email: [h.mansoryan@qaemiau.ac.ir](mailto:h.mansoryan@qaemiau.ac.ir))